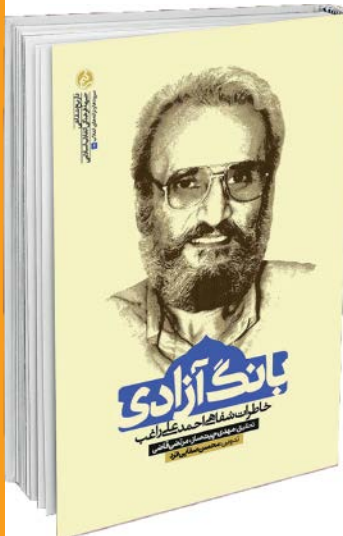


احمد علی راغب

«این بانگ آزادی است، کر خاوران خیزد» اگر این شعر را محمد گلریز نخوانده بود بعید بود ما بتوانیم آن قدر راحت آن را حفظ کنیم، ولی آنچه در این پازل معمولاً نادیده انگاشته می‌شود این است که موسیقی نقش محوری و تعیین‌کننده‌ای در جاودانه شدن یک شعر با صدای یک خواننده داشته است. در واقع باید گفت اگر نبود موسیقی ساخته شده توسط احمد علی راغب، نه گلریز را در خاطرم‌ان داشتیم و نه چیزی از این شعر در خاطره‌های ما ماند، مانند هزاران هزار بیتی که در زبان فارسی در زمان‌های مختلف سروده شده، ولی همنشینی آنها با موسیقی توانسته آنها را

جدی تر وارد زبان مردم کوچه و خیابان کند. کتاب «بانگ آزادی» که تاریخ شفاهی احمد علی راغب، نوازنده و آهنگساز است با وجود این که هنوز یک سال از انتشارش نمی‌گذرد، ولی از آن کتاب‌هایی است که به دلیل ناشناس بودن چهره روی جلد برای مخاطب عام، از آن آثاری نخواهد بود که به چاپ‌های متعدد برسد. البته اساساً چنین انتظاری از کتاب‌های تاریخی نمی‌توان داشت، ولی نکته‌ای که مهم است و باید به آن توجه کرد عبارت تاریخ شفاهی است که طبیعتاً باید بیشتر از سایر کتاب‌های تاریخی با لایه‌های پایین اجتماعی ارتباط برقرار کند. حالا راغب چند روزی است فوت کرده و طبیعتاً باید این کتاب از فروش بهتری برخوردار باشد، ولی می‌توان سری به کتابفروشی‌ها زد تا برآیمان اثبات شود که این طور نیست، به شکلی که بعید است برخی از کتابفروش‌ها نامی از این کتاب شنیده باشند و با آن آشنا باشند.

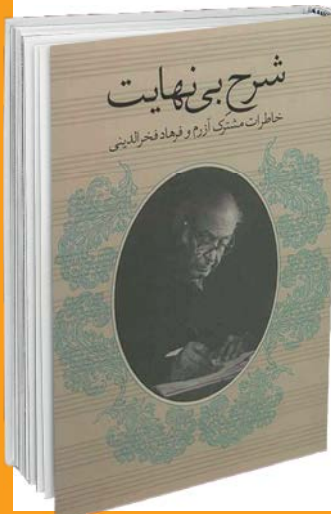
کتابی که زبان روایی خوبی دارد و خواننده را مشتاق می‌کند آن را یک نفس بخواند و از سفر به اعماق تاریخ لذت ببرد. علاوه بر این خاطرات راغب نیز در نوع خود متفاوت است و هر خواننده‌ای را به مطالعه دعوت می‌کند.



## فرهاد فخرالدینی

سریال امام علی (ع) جدا از اهمیتی که در میان آثار مشابه دارد یک ویژگی دیگر هم دارد و آن هم موسیقی اش است. بخش مهمی از خاطره مخاطبان این مجموعه تلویزیونی با موسیقی آن پیوند خورده و بسیاری از اتفاقات را با موسیقی آن به خاطر می آورند. همان طور که وقتی قرار است صحنه هایی از فیلم محمد رسول... (ص) ساخته مصطفی عقاد را در ذهن مرور کنیم، موسیقی کارکرد و نقش مهمی دارد. البته موسیقی سریال امام علی (ع) به قدری شهرت دارد که بسیاری بداند سازنده موسیقی این فیلم چه کسی است، ولی این به معنای این نیست که همه می دانند! فرهاد فخرالدینی نامی است که با موسیقی سریال هایی مانند امام علی (ع) و کیف انگلیسی ... پیوند خورده و البته آثار ارکسترال بسیاری هم در کارنامه اش دارد، ولی آن طور که باید مخاطب درباره اش چیز زیادی نمی داند. کتاب «شرح بی نهایت» روایتی از زندگی این آهنگساز برجسته است که توسط خودش و همسرش نوشته و در قالب این کتاب منتشر شده است. هرچند کتاب

ضعف‌های انکارنشدنی از حیث روایت تاریخی دارد، ولی روایتی از زندگی یک هنرمند برجسته کشورمان را بازگو کرده که در نوع خود متفاوت محسوب می‌شود. زبان یک‌دست کتاب و فرازونشیب‌های زندگی شخصی فخرالدینی که البته گوشه‌هایی از زندگی هنری نیز به نمایش گذاشته شده، خواننده را ترغیب خواهد کرد تا بخواند برای این که بداند چه شخصیت‌هایی در این سرزمین زندگی می‌کنند.

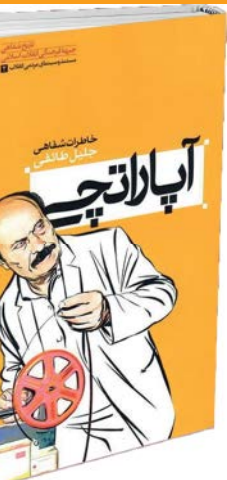


## درویش خان

غلامحسین درویش مشهور به «درویش خان» یکی از چهره‌های مهم موسیقی سنتی است که با وجود اهمیت خودش در روزگار قاجار در موسیقی سنتی و تأثیری که بر موسیقی بعد از خود گذاشت، اما از چهره‌های ناشناخته در تاریخ فرهنگ و هنر است. زود هنگام بودن و ناگهانی بودن مرگش نیز عامل دیگری است برای این که با قطعیت گفته شود درویش خان با توجه به جایگاهش آن طور که باید مطالعه و شناخته نشده است. هر چند می‌توان گفت موسیقی سنتی اساساً موضوع مطالعه عموم نیست، ولی به هر صورت نمی‌شود تصنیف «ز من نگارم» ساخته درویش خان را بشنویم، ولی ندانیم سازنده آن کیست؟ فرهود صفرزاده به عنوان یک استاد دانشگاه و پژوهشگر حوزه موسیقی در این کتاب و کتاب‌های دیگری که نوشته سعی کرده با روایتی روان و ساده، اطلاعات موجود درباره درویش خان را به مخاطب عرضه کند. حجم داده این کتاب به قدری است که می‌تواند خواننده را در نداشتن اطلاعات درباره مفاخر فرهنگی کشور خود متحیر و متعجب کند. صفرزاده در «باد خزان» تلاش کرده روایتی مستند و دور از افسانه پردازی‌های مرسوم در روایت‌های تاریخی را با زبانی که نقطه قوت کتاب محسوب می‌شود برای خواننده خود فراهم کند. اهمیت او در موسیقی زمانه خود به قدری بود که پس از مرگش روزنامه اطلاعات در فقدان‌ش تیت‌زُد «تار مُرد».

## آپاراتچی

همین امروز بسیاری از مناطق دورافتاده از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی محروم هستند چه به این‌که به سینما یا دیگر امکانات فرهنگی دسترسی داشته باشند. حالا این وضعیت امروز است باید دید وضعیت سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب به چه شکلی بوده و گمان می‌رود حتی مناطقی که حاشیه نبوده‌اند نیز از بسیاری از امکانات محروم بوده‌اند. خاطرات جلیل اسدی طائفی در کتاب «آپاتچی» نیز می‌تواند در دیدن آنچه بالا گفته شد مؤثر باشد. او در روزگاری که مراکز استان از داشتن برخی امکانات محروم بودند با دستگاه آبارانش روستا به روستا و مدرسه به مدرسه فیلم نمایش می‌دهد تا پیام فرهنگی انقلاب اسلامی را به همشهری‌های خود برساند. او در این کتاب نماد خستگی‌ناپذیری است. او با دست خالی فیلم می‌سازد و با دست خالی نمایش می‌دهد و از هیچ سنگ‌اندازی و تهدیدی نیز بیم ندارد. این کتاب روایتی است از مبارزه‌ای فرهنگی در برابر تمامیت‌خواهی تیول‌داران فرهنگ!



# فراموشی

کتاب‌هایی هستند که از چهره‌هایی سخن می‌گویند و ولی آنها در فرهنگ جمعی ما نقش دارند.

همین چند روز اخیر چند نفر از چهره‌های مختلف در عرصه‌های هنری و فرهنگی فعالیت و خدمت فرهنگی در زمانه‌های بعد نیز اثرشان جاری است. پرویز پورحسینما و تلویزیون را از یاد ببرد و علاوه بر آن تا زمانی که آثار این هنرمند برجسته بسیاری را می‌توان ردیف کرد که به واسطه فعالیت‌شان در یک زمان محدود نیست میان برخی اسامی و نام‌ها هستند که از آن شهرت عمومی که برای مثال مرحوم پور

آشنایی داشته باشد، ولی تصویری از نام او در ذهنشان نیست. این یکی از آسیب‌های عمومی در حوزه آموزش است. به عبارت دقیق‌تر باید گفت چون مفاخر فرهنگی مانند سلبی‌ها سودآوری کوتاه‌مدت ندارند، به عبارت دیگر، سودآور نیستند، ولی چون شناخت نداشتیم بی‌تفاوت از کنارشان گذر کرده‌ایم. این در حالی است که بایه‌های فرهنگی خود را مستحکم کرد.

در این گزارش سعی می‌کنیم مروری داشته باشیم بر کتاب‌هایی که برخی از آنها هرگز به مرحله تجدید روی جلد تصویری از او نقش بسته و در کتاب درباره‌اش حرف زده شده، نه اهل اینستاگرام است و نه از جلد و کسب اعتبار کنند، بلکه او یک فعال فرهنگی در زمینه تخصصی خویش است که سال‌ها برای ارتقای فوآ آنها در سکوت خبری چشم از جهان می‌پندند و حتی هم‌صنف‌هایشان هم باخبر نمی‌شوند.

این مهجوریت ربطی هم به مرام و خط فکری و سیاسی آن هنرمند فرهیخته ندارد، بلکه اساساً مخاطب آن باشد که بخشی از آن تقصیر کار می‌ماهای رسانه است که در معرفی و شناساندن این چهره‌ها کم کاری

## یونس فردوس

روزنامه نگار

100%